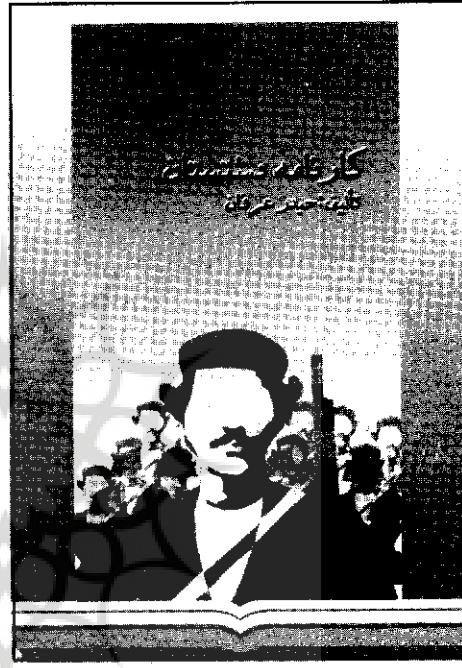




کارنامه دشتستان



کارنامه دشتستان
تألیف: حیدر عرفان
ناشر: نوید، شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۲۰۰ ص.

نقد و بررسی کتاب:

استعمار بریتانیا و مسئله اروندرود

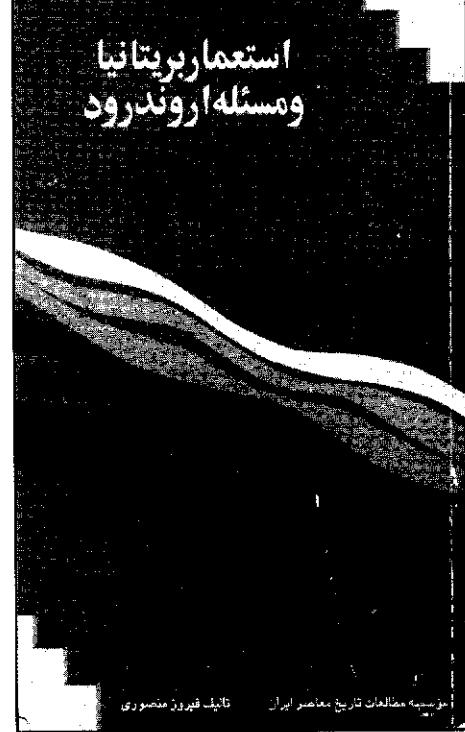
نصرالله صالحی

دربردارنده مباحثی چون توضیح درباره واژه برازجان، محدوده دشتستان، جغرافیای دشتستان از نظر ناهمواری‌ها و آب و هوا است. نویسنده تحقیق و تفحص جالبی نیز در مورد خاندان‌ها و قبایل آن سامان ارائه کرده و سابقه‌ای از نهادهای آموزشی و اداری شهر به دست می‌دهد.

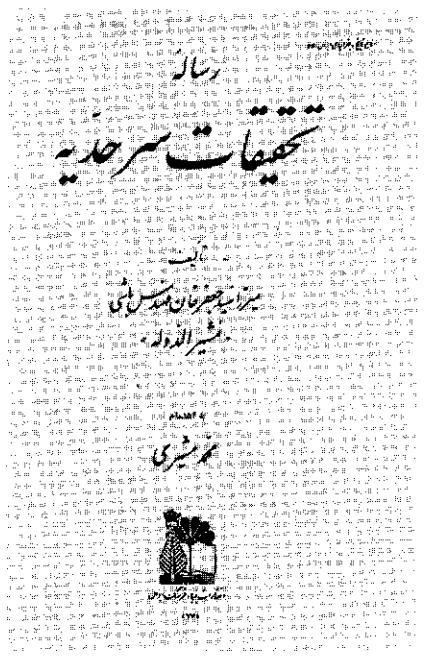
بحث در مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برازجان، مرکز دشتستان، چهره غالب کتاب را تشکیل می‌دهد. اصطلاحات پول، اوزان و مقیاسات که امروزه تقریباً فراموش شده‌اند، از مباحث جالب توجه کتاب است. تحقیق در این موارد و نیز ابزارها و فنون و کشاورزی اساساً در حوزه واژه‌شناسی و تدقیق در شناخت و ضبط آنها انجام می‌گیرد. فنون و مشاغلی چون بنایی، ماهیگیری، باورها و آیین‌ها، روحیات نیز تقریباً به همین نحو، یعنی توضیح اندک و دقت در ضبط و انتقال واژه‌ها همراه شده است. به طور کلی مباحث فرهنگی و اجتماعی کتاب چهره غالب آن را تشکیل می‌دهد.

استعمار بریتانیا و مسئله اروندرود
تألیف: فیروز منصوری
ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول،
تهران، ۱۳۷۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تالیف فیروز منصوری



کیانی میرزا شاه عزیز از این روز پرداخت
تکنک حکایت ام ته کنیه هر بر سرخی بودند
تسلیمان داشت طبقاً دنیا و نیز کارهای اندیشیده
دیگر اچرا کسی نداشت اینها کشیده بودند هر چند
و لایه ای از شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن
کلی این شنیدن
در این شنیدن
کلی این شنیدن
کلی این شنیدن
کلی این شنیدن
کلی این شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن شنیدن

تاریخ روابط ایران و عثمانی / عراق و اختلافات مرزی
دو کشور بعد از وقوع انقلاب اسلامی و بولیه از آغاز جنگ
تحمیلی در کانون توجه محققین و نیز بارهای از مراکز تحقیقاتی
داخل و خارج از کشور قرار گرفت. قریب به سال قبل دو
کتاب ارزشمند و مستند از سوی جعفر ولدانی^۱ و منوچهر
پارسا داده شده تاریخ روابط ایران و عثمانی^۲ از مراکز تحقیقاتی
که هر یک به نوبه خود در روشن تر شدن هر چه بیشتر
تاریخ روابط دو کشور مفید بودند. در همین موضوع در دو
سال اخیر کتابی با عنوان استعمار بریتانیا و مسئله ارond رود
به قلم فیروز مقصودی نیز انتشار یافت. کتاب دارای نه
فصل، بدین شرح است: فصل اول: غرفایی تاریخی
شط العرب؛ فصل دوم: شط العرب و سیاست بین المللی؛
فصل سوم: عهدنامه اول ارزن الروم؛ فصل چهارم: از قرارداد
اول ارزن الروم تا کنفرانس دوم ارزن الروم؛ فصل پنجم:
کنفرانس و پیمان ارزن الروم؛ فصل ششم: شط العرب، اوردگاه
ایران و انگلیس در جنگ محمره؛ فصل هفتم: شط العرب
در آستانه قرن بیستم؛ فصل هشتم؛ مقدمات تحديد حدود
۱۹۱۴؛ فصل نهم: کمیسیون تحديد حدود ۱۹۱۴ و سلب
حقوق ایران.

نگارنده این اثر را چندی بعد از انتشار تهیه نمود و برای
کسب آگاهی بیشتر به مطالعه آن پرداخت اما نه تنها این
هدف برآورده شد بلکه ایرادات و اشکالاتی را مشاهده نمود
که نقد پاره‌هایی از آنها را در حوزه تحقیقات تاریخی سودمند
و ضروری تشخیص داد. در زیر برای برهیز از طولانی شدن
مطلوبه به عمدترين و مهمترین ایرادات وارد بر کتاب، به
ایميد اصلاح در چایهای بعدی، اشاره می‌گردد:
کتاب فاقد مقدمه‌ای لازم و ضروری است که در آن
به «طرح مسئله» پرداخته شده باشد، و لذا نویسنده به
دنیال تحقیق برای تبیین مسئله مشخصی نیست. نویسنده
با جمع‌آوری مطالب پراکنده از منابع گوناگون و با پرداختن
مکرر به مباحث غیرمرتبه با موضوع اصلی کتاب، در
«دیسیسه‌های سیاسی بریتانیا و تحریف حقایق تاریخی و
سندسازیهای آنها شده است. در خصوص این عهدنامه
جهات عدیده مسئله ارond رود که می‌بایست مسئله اصلی

نویسنده این گونه نتیجه گیری کرده است: «در حقیقت،
اعقاد عهدنامه اول ارزن‌الروم بیچ گونه نفع و امتیازی
عاید ایران نکرد و فقط انگلستان، صاحب اصلی بغداد، را
مطمئن ساخت که از این پس اگر شیمرمودی چون
محمدعلی میرزا به پا خیزد و سیاه انگیز مطابق عهدنامه
حاضر حق تصرف و تعرض به آن را نخواهد داشت.» (ص
۸۴)

باید گفت که اولاً بغداد رسماً و قانوناً در آن عهد جزو
قلمرو ایران نبود و لذا تدبی محمدعلی میرزا دلنشاه به آن
شهر یک تجاوز اشکار نظالمی محسوب می‌شد. چند سال
بعد دولتمردان دو کشور به این نتیجه رسیدند که اختلافات
فیضیان بین باید از راه مذکرات سیاسی حل و فصل گردد نه
از راه جنگ و لشکرکشی. دوم اینکه عهدنامه مزبور متضمن
منافع ایران بود به این ترتیب که «مرز دو کشور بر اساس
معاهده ۱۱۵۶ که بین نادرشاه و سلطان محمود بسته شده
بود، تأیید گردید. دولت عثمانی تعهد کرد که از زوار ایرانی
به عنایت و حاجیان مطالبه «باب» نشود، و در کار آنان
تسهیل نمایند که اختلافی رخ ندهد. دو دولت موافقت
کردند که هرگاه ایلات سرحدی تجاوزی به خاک دیگری
کردند حمایتی از آنان به عمل نیاید.»^۳

از صفحه ۸۰ تا ۸۴ اظهار نظر آقای جهانگیر قائم مقامی
در خصوص سندیت عهدنامه ارزن‌الروم اول اورده شده که
چون اظهار نظر او خالی از اشتباه نیست، نقل و قبول
می‌جون و چرای نقطه نظر او بی مورد است. البته نویسنده
در صدد است از لابلای حرفهای قائم مقامی «دیسیسه‌های
استعماری» را که در سراسر کتاب به دنبال کشف آنها است
پیدا کند. نویسنده تلاش کرده تا با مینا قرار دادن عهدنامه
منتشره از سوی قائم مقامی در مجله «بررسیهای تاریخی»
عهدنامه منتشره در مأثر سلطانیه را «جعلی» و «ساخته و
پرداخته استعمار بریتانیا» جلوه دهد. اصولاً نویسنده «کتاب
مأثر سلطانیه چای» را از «ساخته‌های عوامل استعمار
بریتانیا» (ص ۹۲) می‌داند. باید گفت که عهدنامه مزبور
دارای یک پیش‌نویس و یک اصل بوده که بعضی منابع

اثر مذکور باشد، موضوعیت خود را از دست داده و در مقابل،
جستجو برای کشف توطئه‌های عُمال استعمار بوبیزه
انگلستان در زمینه‌های مختلف محوریت یافته است. در
این خصوص اظهار نظرها و کشیفات عجیب و شگفت‌انگیز
در سراسر کتاب به چشم می‌خورد که مورد اشاره فرار خواهد
گرفت. در همینجا خاطرنشان می‌کنم که برملاً کردن
دست پنهان استعمارگر پیر در تحولات تاریخ ایران و
پرده برداشتن از جریانات پنهان سلطه‌جوبی‌ها و
استعمایگری‌های دول بیگانه به ویژه انگلستان، نه تنها
مفید و حتی ضروری بلکه شایان تقدیر است، اما باید
همواره این نکته را مد نظر داشت که اگر این کوشش بر
پا به اساسی صحیح و متکی به اسناد و مدارکی محکم و
مستدل استوار نباشد، چه بسا نتیجه کار بر عکس شود و
ضرر آن بیشتر از منفعت گردد. بنابر موضوع کتاب
می‌بایستی فصول ۳، ۴ و ۵ اصلی ترین و مهمترین فصل‌های
کتاب باشد. زیرا تمام اختلافات چند صدالله ایران و عثمانی
در تحسین مذاکرات بین المللی، در طول قریب به چهار
سال طرح و تا حد زیادی حل و فصل شد. حاصل مذاکرات
انعقاد عهدنامه دوم ارزن‌الروم بود که بنا به اهمیت آن
محور و اساسی گردید برای تمامی معاهدات و قراردادهای
بعدی ایران - عثمانی و ایران - عراق. در این مذاکرات
برای اولین بار مسئله شط العرب به تفصیل مورد مذاکره
طرفین قرار گرفت و حل و فصل آن نیز در یکی از مواد
عهدنامه گنجانده شد. گفتنی است که میرزانقی خان در
طول صارت خود همیشه از به سرانجام رساندن مذاکرات
ارزن‌الروم و حفظ حقوق حقه ایران، به خود می‌باید. بنا به
توضیحی که اورده شد در اینجا مواردی از مباحث سه
فصل مزبور را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم:

۱- از آغاز فصل سوم (۷۹- ۹۲)

عهدنامه اول ارزن‌الروم اختصاص یافته عیناً بازنویسی از
منابع است جز چند سطر که در آن سطور اشاره مکرر به
«دیسیسه‌های سیاسی بریتانیا و تحریف حقایق تاریخی و
سندسازیهای آنها شده است. در خصوص این عهدنامه

سیاحت‌نامه مسیو چریکف

ترجمه آثار مسیحی
با کوشش علی اصغر عمران

البته نه به این جهت که بعد «کتابهای ساختگی را به ایران سرازیر» کنند. از طرف دیگر متون و استناد و نسخه‌های منتشره نه از طرف انگلیسی‌ها که غالباً از سوی محققین ایرانی تصحیح و چاپ شده است. متوفی که عمدتاً با اصل نسخه‌های متعدد موجود در داخل و بعض خارج مقابله و بعد منتشر شده‌اند.

۲- فصل چهارم بیست و هفت صفحه را شامل می‌شود. در بیست صفحه مطالب بی‌ربط و غیرمربوط با عنوان فصل اورده شده و تنها در هفت صفحه آخر فصل به زمینه‌های بریانی کنفرانس ارزنه‌الروم اشاره شده است. در صفحه ۱۱۲ نویسنده در گذشت عباس میرزا را به عنوان «مرگی مشکوک» مورد بررسی قرار داده است. پیشتر اظهارات او مستند به نوشته‌های محمود محمدی است. در حالی که باید در صحت و اعتبار بسیاری از نوشته‌های آن مرحوم تامل کرد و بدون نقد و بررسی اظهارات نظرهای او را پیذیرفت. منصوري مرگ عباس میرزا و محمدعلی میرزا دولتشاه را مرگ طبیعی ندانسته و دست عمال انگلیس را در مرگ آن دو دخیل می‌داند: «در کار لشکرکشی هر دو، کارداران انگلیس به مقابله پرخاستند و کارشکنی‌ها کردن و تهدید و توطئه به کار برداشتند: آن دو، بدون هیچ آثار و علامات ناخوشی یکی در شرق و دیگری در غرب ایران به این زمینه منبع دست اول به حساب می‌آید راجلی و ساخته «استعمارگران» بدانند. چرا که از دید مؤلف تاریخ نو، عباس میرزا به مرگ طبیعی از دنیا رفت.

۳- می‌بردازیم به فصل ۵ یعنی فصل مربوط به کنفرانس و عهدنامه کوم ارزنه‌الروم که می‌بایست مهم‌ترین فصل کتاب باشد. (بنای به توضیحی که در ابتداء آورده شد.) دو صفحه اول این فصل به بازنویسی عین نوشته ادمیت در کتاب امیرکبیر و ایران اختصاص یافته است اما مatasaneh نویسنده تمام نوشته‌های ادمیت در خصوص کنفرانس ارزنه‌الروم را که تحلیلی است دقیق و ارزشمند به طور کامل مطالعه نکرده و مهتمر این که هیچ توجهی به منابع مورد استفاده آدمیت نکرده است. البته اگر چنین می‌کرد دچار اشتباهات و تناقض‌گویی‌های فاحش نمی‌شد.

آقای منصوری از صفحه ۱۰۰ تا ۱۳۵ با استفاده از اقتباسهای محمود محمد از سفرنامه سرواستین هنری لاپارد تلاش کرده است تا نادرستی آنها را اثبات کند. او باید گفت اوردن نقل قول‌های مکرر از سفرنامه لاپارد - البته به نقل از محمود محمد - این گونه اظهارات نظر کرده است: «این نسخه‌های خطی، تک نسخه» بوده و این تک نسخه‌ها توسط انگلیسی‌ها ابیتعال شده و سپس از روی آنها نسخه‌های جعلی ساخته و پرداخته شده است. این تک نسخه‌ها که این تنها انگلیسی‌ها نبودند که اقدام به خرید و جمع اوری نسخه‌های خطی از مالک شرقی می‌کردند، بلکه همزمان، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، روس‌ها و بعد آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها او اخیر قرن نوزدهم، پس از تابود کردن یا پنهان نمودن اسناد ارزنه‌الروم، ساخته و انتشار می‌دادند و زمینه‌سازی می‌کردند تا در کنفرانس‌های آینده رسیدگی به اختلافات مرزی آنها از رساله قلایی تحقیقات سرحایه را به جای آنها ساخته و



۱۷۸۸

۱۷۸۹

نظیر مأثر السلطانیه هر دو را نیاورده‌اند. اما این دلیل نمی‌شود که عمال استعمار مأثر السلطانیه را برای مقاصد خود جعل کرده باشند. متن این عهدنامه در منابع دیگر نیز، مانند ناسخ التواریخ آورده شده است. از صفحه ۹۳ تا پایان فصل (ص ۱۰۴) نویسنده به بررسی مأثر السلطانیه چاپی و سفرنامه ژوپر پرداخته و هر دو را جعلی و ساختگی دانسته است. ضمن اینکه ادله اورده شده واقعی به مقصود نیست. مطالب مطروده نیز به هیچ رو ربطی با موضوع کتاب ندارد. چنانکه از دیگر نوشته‌های این کتاب بر می‌اید نویسنده تنها در مورد این دو کتاب چنین نظری ندارد بلکه بسیاری از منابع و استناد را ساخته و پرداخته انگلیسی‌ها می‌داند. به نظر می‌رسد نویسنده سخت به نظریه «کار کار انگلیسی‌هاست» یا «همه چیز زیر سر انگلیسی‌هاست» معتقد است. او این نظریه را به متون و منابع و استناد تاریخی نیز تسری داده و با یک حکم کلی رای به جعلی بودن آنها داده است. او می‌نویسد: «برخی کانون‌های استعماری بوثه در پیرامون کمپانی هند شرقی و حکومت هند بریتانیا، با برنامه‌های خاص، کتاب‌های اصولی و خطی فارسی و عربی را جمع اوری می‌کردند و در آرشیوهای مخصوص نگه می‌داشتند و در مقابل کتاب‌های ساختگی یا تحریف شده را تهیه و تدوین نموده به کتابخانه‌های خصوصی و ملی ایران سرازیر می‌کردند». (ص ۱۵) به نظر می‌رسد که نویسنده فرض را بر این گناشته که تمام نسخه‌های خطی، «تک نسخه» بوده و این تک نسخه‌ها توسط انگلیسی‌ها ابیتعال شده و سپس از روی آنها نسخه‌های جعلی ساخته و پرداخته شده است. این تک نسخه‌ها که این تنها انگلیسی‌ها نبودند که اقدام به خرید و جمع اوری نسخه‌های خطی از مالک شرقی می‌کردند، بلکه همزمان، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، روس‌ها و بعد آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها و حتی دیگر کشورهای اروپایی نیز چنین می‌کردند. هزاران نسخه خطی بقیه شیخ صفائتوسط روس‌ها برده شد، و هزاران نسخه خطی دیگر توسط اروپاییان ابیتعال گردید.

را مدرک قرار دهنده. (ص ۱۳۳) در مقابل این اظهارات نظرها باید گفت که نه تنها استناد مذکور تقریباً چهارساله کنفرانس ارزنه‌الروم تابود نشده بلکه جریان مذکورات نا حد زیادی از سوی استناد فراوان باقی مانده بطور کامل روشن است و هیچ ابهامی در آنها وجود ندارد که لازم باشد انگلیسی‌ها سفرنامه لاپارد را برای اهداف خود جعل کرده باشند. نویسنده ظاهراً اطلاع ندارد که نمایندگان هر چهار دولت حاضر در کنفرانس بطور مرتب و به تفصیل جریان مذکورات را برای دولت‌های متبع خود ارسال می‌داشته‌اند. ادمیت با بهره‌گیری فراوان از گزارش‌های ویلیامز (نماینده بریتانیا در مذکورات) به کانینگ (سفیر بریتانیا در اسلامبول) و گزارش‌های میرزا تقی خان [امیرکبیر] به حاجی میرزا آقاسی توانسته است تحلیل دقیق و موشکافانه‌ای از روند مذکورات کنفرانس ارزنه‌الروم ارائه دهد.^۶ حال چگونه است که هیچ مدرکی از مذکورات مزبور بجا نمانده است. عجیب‌تر و شگفت‌انگیزتر این که در صفحه ۱۲۵ و ۱۲۶ مجدداً نظر فوق از سوی نویسنده تکرار شده است: او می‌نویسد: «تلاش و تحقیق چهارساله اعضای کنفرانس ارزنه‌الروم منجر به انعقاد قرارداد ۱۲۶۳ هـ. ق. (۱۸۴۷) و امضای آن از طرف نمایندگان رسمی دول چهارگانه شد. متأسفانه از صورت جلسه‌ها و گزارش‌های کمیسیون و متن و مواد اصلی قرارداد مزبور هیچ گونه آثار مکتوب رسمی باقی نمانده است. استعمار همه آنها را در اولین قرن حاضر از بین برده و یا پنهان کرده و در مقابل نسخه‌های متعددی از رساله قلایی تحقیقات سرحایه را به جای آنها ساخته و

THE IRAN-IRAQ BORDER

1840-1958

Editor: Richard Schofield

Volume 1

Negotiations culminating in the
Treaty of Erzurum, 1840-1847

Archive Editions

Published in association with the International Boundary Research Unit
University of Durham

تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۹، یادگرد. (از زم به توضیح است که اثر حاضر ساله دکتر خانم دکتر مشایخ فردینی می‌باشد).

۳- آدمیت، فریمون: امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۵۵

۴- سپهر، لسان الملک: ناسخ التواریخ، به اهتمام جهانگر قائم مقامی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷. صص ۲۰۴ و نیز، طباطبائی مجد، غلامرضا: معاہدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، بنا بر موقوفه دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۷ در این کتاب اصل عهدنامه همراه با متن پیش‌نویس درج شده است. صص ۱۳۶ تا ۱۲۱.

۵- سپهر نیز در ناسخ التواریخ (من ۱۹۷) مرگ محمدعلی میرزا را در اثر شدت بیماری دانسته و مرگ او را طبیعی توصیف کرده است. حتی نوع و طول بیماری او را نیز اورد است. از دید منصوری شاید ناسخ التواریخ هم جملی و ساخته استعمال بریتانیا باشد!

۶- آدمیت: همان، از صفحه ۱۵۴.

۷- صالحی، نصرالله: اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزاق‌لروم (۱۲۵۸-۱۳۶۴) اداره انتشار دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۷۷

۸- مشخصات اثر مزبور چنین است:

The Iran - Iraq Border (1840 - 1958)

این اثر در یازده جلد به انتظام دو جلد نوشته خواهد ۵۵۰۰ صفحه سند است. این مجموعه در کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر موجود است.

۹- مشیرالدوله، میرزا سید جعفرخان مهندس باشی: رساله تحقیقات سرحدیه، به اهتمام محمد مشیری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۸.

۱۰- همانجا: توضیحات مصحح، ص ۱۹۹-۱۹۸.

۱۱- سیاست‌نامه مسیو چریکفه ترجمه آیکار مسیبی، به کوشش علی اصغر عمران، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۸.

۱۲- مشیرالدوله: همان، توضیحات مصحح صص ۱۹۸ و ۱۹۷. مشیری بعد از جستجوی سیار کتاب مزبور را یافته و چند صفحه از آن را در پایان کتاب کلیشه کرده است.

۱۳- اقبال عباس: چند سفرنامه از سفرای ایران، تشریه وزارت امور خارجه، چاپ اول، شماره سوم، ص ۲۹. اقبال در ادامه مقاله.

د: مجموعه بسیار ارزشمند و سیزده جلدی که از سوی «آرشیو ادیشنز» تحت عنوان موز ایران و عراق (۱۸۴۰ - ۱۹۵۸) منتشر شده است. این مجموعه حاوی گزارش‌های دیپلماتیک نمایندگان انگلیس در طول ۱۲۰ سال در خصوص مسائل سرحدی ایران - عثمانی و ایران و عراق است.^۱

نویسنده در صفحه‌های ۱۳۶، ۲۰۷، ۲۰۷ و ۲۰۹ چند منبع تاریخی از جمله رساله تحقیقات سرحدیه میرزا جعفرخان مشیرالدوله^۲ را جعلی و قلابی دانسته و تأثیف آن را به عمال استعمار بریتانیا نسبت داده است. چنانکه پیداست آقای منصوری در سراسر کتاب خود غالب متون منابع و اسناد و مدارک معتبر تاریخی را بدون ارائه ادلة متفق و منطقی و مستدل جزو جعلیات انگلیسی‌ها دانسته است. اگر مبنای جعلی بودن هر کتاب و سندی، بیان ادعاهای واهمی و غیرمستند باشد به راحتی می‌توان هر کتاب و سندی را به نوعی جعلی و ساخته استعمار ایران دانست. چنانکه مؤلف چندین منبع معتبر تاریخی را قلابی و جعلی دانسته است. برای بظالان نظر او بیویه در خصوص اثر مورد اشاره، اوردن چند نکته ضروری است: اول اینکه مبنای تصحیح رساله تحقیقات سرحدیه چندین نسخه بوده است. از جمله نسخه‌های موجود در وزارت امور خارجه (دو نسخه)، موجود در مجلس شورای ملی، کتابخانه ملی، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و چند نسخه موجود در دست اشخاص.^۳ دوم اینکه مصحح بسیار کوشیده تا آثار دیگری از نمایندگان دول دیگر حاضر در کمیسیون تحدید خود را پیدا کند که در این زمینه موفق بوده است. او می‌نویسد: «با توجه و مراجعت به فهرست کتابهای مربوط به ایران‌شناسی که از طرف «اکادمی علوم شوروی» منتشر شده، معلوم گردید که در زمان حیات میرزا جعفرخان مشیرالدوله کتاب سیاحت تامه حدود تالیف خورشید افتاد در موضوع مرزهای بین ایران و عثمانی با رساله تحقیقات سرحدیه مشیرالدوله در یک مجله توسط آگامازوف که در هیئت تحدید حدود جزو مامورین دولت روسیه و سمت مترجمی کلتل چریکف^۴ را داشته است به زبان روسی ترجمه و به سال ۱۸۷۷ م در پطرزبورغ چاپ شده است.^۵

در خصوص ارزش تاریخی رساله تحقیقات سرحدیه کافی است به سخن عباس اقبال (پیش از تصحیح و انتشار آن) اشاره کنیم. از دید اقبال این رساله «یکی از بهترین آثاری است که از مامورین وزارت امور خارجه باقی است...»^۶ در خصوص ارزش تاریخی رساله تحقیقات سرحدیه کافی است به سخن عباس اقبال (پیش از تصحیح و انتشار آن) اشاره کنیم. از دید اقبال این رساله «یکی از بهترین آثاری است که از مامورین وزارت امور خارجه باقی است...»^۷

یادداشت‌ها:

۱- ولدانی، جعفر: بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷.

۲- پارسادلوست، منوچهر: ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق (۱۷۱۴-۱۹۴۰)، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۰. در همین جا بایستی از کتاب ارزشمند مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور، تالیف دکتر آذر میدخت مشایخ فردینی، حاوی استناد مهمی در خصوص مذکورات ارزش‌الروم است.

پرداخته است.» در توضیح باید گفت که به نظر می‌رسد نویسنده با منابع و مدارک اصلی موضوع تحقیق خود بیگانه بوده؛ زیرا علاوه بر گزارش‌های ویلیامز که مورد اشاره قرار گرفته، منابع زیر نیز بظالان نظر او را آشکار می‌سازد:
الف: هفت جلد گزیده استناد سیاسی ایران و عثمانی منتشر شده از سوی اداره انتشار استناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. در جلد اول علاوه بر ده‌ها سند ارزشمند در خصوص روابط ایران و عثمانی، در بخش ضمایم کتاب صورت مجلس یارده جلسه از کنفرانس ارزش‌الروم که از سوی میرزا تقی خان برای حاجی میرزا آقاسی ارسال شده درج شده است. صورت مجلس‌های میرزا آقاسی جریان مباحث و مذاکرات کنفرانس و تصمیم‌گیری‌های بعمل آمده و نیز کارشناسی‌های نماینده عثمانی را منعکس می‌کند.

پ: منبع دیگر کتابی است تحت عنوان استنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزش‌الروم (۱۲۵۸-۱۲۵۴) در این کتاب که حاوی بخش اول از استناد دیگری از استناد وزارت امور خارجه ایران است، استناد مربوطه از یک سال قبل از تشکیل کنفرانس ارزش‌الروم تا یک سال بعد از انعقاد عهدنامه به ترتیب سوابت درج شده است.^۸

چ: منبع دیگر چهار جلد استناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه) به کوشش محمد رضا نصیری است که سالها قبل از سوی انتشارات کهنهان منتشر شده است. حسن بزرگ این مجموعه آن است که استناد آن از پایان‌کاری استناد عثمانی انتخاب شده است. گفتنی است که جلد دوم آن حاوی استناد مهمی در خصوص مذکورات ارزش‌الروم است.